



اهداف‌های حفاظت^۱

کریس کیپل^{۱۱}

برگردان: امیر حسین کریمی

درآمد

هر جامعه چیزهای مهمی برای نگهداری دارد و این در اروپای قرن بیست و یکم، معمولاً به آن معناست که چنین چیزهایی را در موزه می‌گذارند و مرمت‌گران و مسئولان موزه را به "مراقبت" آن‌ها می‌گمارند. ولی ما مرمتگران همواره بر چگونه حفظ کردن این آثار و نه چرایی حفظ آن‌ها تمرکز کرده‌ایم. ما وقتمان را با مرمتگران دیگر به بحث پیرامون "مبانی اخلاقی" حفظ آثار هنری و گله از عدم توافق بین زمینه‌های مختلف آن می‌گذرانیم. در همین حال، موزه‌ها دانشگاه‌ها و جامعه مشغول تصمیم‌گیری در مورد وجود اشیایی که مراقب آن‌ها هستیم و مؤسساتی که این اشیاء در آن‌ها نگهداری می‌شوند، هستند و ما ساکت و صامت نشسته‌ایم. آیا دیدگاه دقیق، جامع و فراگیری در مورد حفظ آثار وجود دارد؟ آیا مجموعه‌ای از اهداف آشکار برای کارمان داریم؟ آیا می‌توانیم این هدف‌ها را به صورت بندبند در متنی کمتر از ۵۰۰ صفحه فهرست کنیم؟ (مثل آنچه استنلی پرایس و دیگران^۱ در ۱۹۹۶ انجام دادند؟) اگر نتوانیم به سادگی و آشکارا به جامعه دلیل فعالیت‌مان را بگوییم، چه حقی داریم که ارزشمندترین گنجینه‌های جامعه را به دست ما سپرده اند؟ در متن پیش رو، اهداف اساسی کار حفظ آثار را برخواهم شمرد. اما آیا (با این کار) می‌توانم به وضوح بگویم حفاظت آثار چیست؟ و آیا این اهداف تا آینده‌ای نزدیک پایدار می‌ماند؟

^۱ - این مقاله ترجمه‌ای است از:

•Caple, C. (2009). The Aims of Conservation. In Conservation: Principles, Dilemmas and Uncomfortable Truths. Richmond, A. & Bracker, A. Elsevier / Butterworth-Heinemann. 25-31.

^{۱۱} - کریس کیپل مدیر دوره تحصیلات تکمیلی حفظ آثار هنری دانشگاه دورهام (از ۱۹۸۸) و مرمتگر اشیای موزه یورک کاستل است. از او تا به حال دو کتاب زیر منتشر شده است:

Objects: Reluctant Witnesses to the Past. London: Routledge.

کتاب زیر منتشر شده است:

(2006)

Conservation Skills: judgement, method and decision making. London: Routledge. (2000).

۱. نگهداری و گسترش

هر جامعه چیزهایی را به خاطر ارزششان برای اعضای جامعه حفظ می‌کند. این ارزش‌ها، ارزش‌های مذهبی، زیبایی‌شناختی، نقش آیینی یا مناسبتی اشیا، ارتباط اشیا با شخصیت‌های مورد احترام جامعه و ارزش آموزشی و اطلاعاتی اشیا هستند. جامعه همواره چیزهایی را نگهداری می‌کند تا باقی بماند و ارزششان در چشم جامعه افزوده شود. این کار به روش‌های مختلفی انجام می‌شود؛ مثلاً برخی اشیا را در آیین‌ها به کار می‌گیرند. پاک می‌کنند، تعمیر می‌کنند، استفاده و تدهین می‌کنند. در این مورد از فرهنگ‌های گذشته و حال، می‌توان مثال‌هایی آورد:

- **اشیایی که اجزاءشان دوباره کنار هم چیده می‌شود.** ظروف رومی جزیره ساموس که با بست‌های سربی و جام‌های شراب قرن هفدهمی که با بندهای سربی^۲ وصالی می‌شدند، دیگر کاربرد اولیه خود را نداشتند و به خاطر ارزش موروثی‌شان دوباره به هم چسبانده می‌شدند.
- **اشیایی که دوباره رنگ می‌شدند.** نقاشی‌های غارهای محل زندگی بومیان استرالیا^۳، مجسمه‌های مذهبی کلیساهای کاتولیک فرانسه^۴ و اشیا و بناهای مائوری^۵ به خاطر احترام به ارواح، نیاکان و یا قدیسان مدام رنگ می‌شدند. این کار نیروی این اشیا را احیا می‌کرد.
- **اشیایی که مرمت می‌شدند.** اشیایی مانند آثار لاک‌ی ژاپنی؛ اوروشی^{۱۱} به شکل اولیه خود مرمت می‌شدند چون احساس می‌شد اگر به صورت آسیب‌دیده و ناقص باقی بمانند، بی‌احترامی خواهد بود. در نتیجه، هیچ تفاوتی بین بخش مرمت‌شده و اصل اثر قائل نمی‌شدند. مراسم سنتی، ابزار و مواد خاصی در این کار استفاده می‌شد، چون خود عمل تعمیر نیز باید با کمال احترام انجام می‌گرفت.^۶
- **بخور دادن و نگهداری اشیا.** برخی بومیان آمریکایی اشیایی خاصی را که با شخصیت‌های خاص ارتباط داشتند، نگهداری می‌کردند. حمله حشرات به این اشیا تنها با عصاره‌های گیاهی خاص قابل دفع بود که برای انسان‌ها هم ضرری نداشته باشند.^۷ این کار، خلوص روحی و نیروی آن شیء را حفظ می‌کرد که همچون موجود جاندار پنداشته می‌شد.

از قرن نوزدهم به بعد، کشورهای آمریکایی و اروپایی ارج نهادن به چیزهایی را آغاز کردند که ارزشی بیش از اسباب خانه یا نماد داشتند. این اشیا اطلاعات مهمی از گذشته در بر داشتند، آن‌گونه که در بیانیه جامعه نگهداری بناهای کهن در ۱۸۷۷ آمده است.^۸ در نتیجه، "نگهداری و افزودن ارزش" برای این جامعه به معنای ترمیم، نگهداری، تمیزکاری، وصالی دوباره و گذاشتن اشیا در موزه‌ها، گالری‌های هنری، کتابخانه‌ها و بایگانی‌ها بود. اصطلاح "حفاظت" یکی از اصطلاحاتی بود که در همین زمان به کار گرفته شد و برای مثال در کتابچه دستورالعمل RIBA^{IV} در سال ۱۸۶۵ با نام "حفاظت یادمان‌ها و آثار کهن"^۷ آمده است. با این همه، معنای دقیق اصطلاح حفاظت را هر کسی به نحوی تفسیر می‌کرد که بسته به زمینه جغرافیایی، فرهنگی و نوع آثاری که حفظ می‌شد، تفاوت می‌کرد.^۹

هدف حفاظت را می‌توان "منظور" یا "نیت‌های" حفاظت آن چیزهایی دانست که افراد محرک عملیات حفاظت می‌خواهند حفظ کنند. تجلی این هدف و روند حفاظت، به دو صورت بروز می‌کند: آنچه گفته (یا نوشته) شده و آنچه انجام شده است (کار حفاظتی که روی اثر یا بناها انجام شده است).

III - Urushi

IV - RIBA: Royal Institute of British Architects

V - Conservation of Ancient Monuments and Remains

جامعه مدرن و موزه ها

قرن هفدهم و هجدهم (دوران روشنگری) شاهد سخنرانی‌ها (مجمع سلطنتی میراث^{VI} در ۱۶۶۰ پایه‌گذاری شد) و انتشار کتاب‌هایی بود که ایده‌های پیشرو را به‌گونه‌ای منطقی بر پایه مشاهده و طبقه‌بندی جهان مادی (طبیعی) بیان می‌کردند. نظام طبیعت^{VII} نوشته لینه^{VIII} (منتشر شده در ۱۷۳۵) از این دست آثار است. از این زمان به‌بعد جوامع اروپایی و آمریکایی، بیشتر و بیشتر در قالب منطق و علم به جهان می‌نگریستند. اشیاء مدارکی (سند مادی) از گذشته و حال جوامع فراهم می‌ساختند. نمونه‌های طبیعی، مثال کوچکی از ابعاد و ماهیت جهان طبیعی بودند. ابزارها اصول علمی را بیان می‌کردند و آثار هنری، احساسات و ایده‌ها و سلیقه‌های زیبایی‌شناختی را بازتاب می‌دادند و نمادها و معانی آن‌ها در جامعه را پیش چشم می‌گذاشتند. اشیاء، نمونه‌های طبیعی، ابزارها یا آثار هنری حفظ شده در این مجموعه‌ها، مخزن‌ها و ویتترین‌ها را می‌شد بارها مورد آزمون و پژوهش قرار داد تا اطلاعات بیشتری آشکار شود. همچنین از طریق نمایشگاه‌های عمومی، امکان انتقال این اطلاعات به اعضای جامعه وجود داشت. این اشیاء، نمونه‌های طبیعی، ابزارها و آثار هنری گواه ما بودند. مدارکی مادی بودند که تقریباً برای هر بخش از جلوه پیشرفت بشری و نیروهای طبیعی سندی دربرداشتند.

باستان‌شناسان و انسان‌شناسان چیزها را همچون تجلی همزمان وجود در سه شکل متفاوت می‌بینند؛ اشیای کاربردی (خلق شده برای برآوردن منظوری خاص)، اشیای نمادین (دارای معنای زمینه فرهنگی) و اسناد تاریخی (ثبت‌کننده گذشته خود شیء، ساخت آن، کاربرد و وجود آن به‌عنوان اثر کاربردی یا نمادین)^{۱۱}. جامعه معمولاً اشیاء جمع شده در موزه‌ها و گنجینه‌ها را همچون مدارک تاریخی می‌داند که برای شناخت گذشته خود یا دیگر فرهنگ‌ها، اطلاعات (اسناد) فراهم می‌کنند.

شیوه‌های گوناگون حفظ میراث

- معماران بر بناها تمرکز دارند و هدفشان پایش و تکمیل (حفظ و مرمت) بناها به‌عنوان ساختارهایی یکپارچه است. معماران می‌دانند که هزینه‌های نگهداری بنا (همچون جلوگیری از نفوذ رطوبت و ایزوله کردن) بسیار بالاست، بنابراین بناهایی که باید حفظ شوند، ناگزیر از داشتن کاربری هستند. در نتیجه، گاه دخالت‌های کوچک در ساختار بنا لازم است تا خدمات مورد نیاز امروزی (همچون سیم‌کشی‌های برق)، خطوط ارتباطی و لوله‌های آب و فاضلاب) فراهم شوند. این‌گونه است که هدف نگهداری بنا محقق می‌شود.
- در حفظ آثار هنری از نقاشی‌های رنگ و روغن تا مجسمه‌ها، تمرکز اصلی بر تصویری است که اثر از نظر بصری تجسم می‌بخشد و ارتباط یا خلق هیجان و احساسی را در بیننده موجب می‌شود. حفاظت‌گرانی که روی آثار هنری کار می‌کنند، قصد حفظ و بازگردانی کیفیت و جوهر اولیه این تصویر را دارند. بحثی که بر سر تمیزکاری آثار هنری وجود دارد، چه در مورد ورنی زرد شده تابلوی رنگ و روغن یا در مورد چرکی نقاشی‌های دیواری، مثل دیوارنگاره‌های نمازخانه سیستین، بر اصالت تصویر و پاسخ زیبایی‌شناختی بیننده به آن تأکید دارد^{۱۲}.
- حفاظت‌گران آثار باستان‌شناسی و مردم‌شناختی بر پایش (نگهداری) اثر باقی‌مانده و پاکسازی چرکی و زنگار روی آن، برای آشکار کردن اطلاعات بیشتر در مورد اثر و گذشته آن تأکید دارند. با این حال آنچه سند گذشته بوده، تغییر

VI - Royal Society

VII - Systema Naturae

VIII - Linnaeus

کارل لینه (۱۷۰۷-۱۷۷۸ م)؛ گیاه‌شناس سوئدی. پایه‌گذار شیوه نوین طبقه‌بندی گیاهان و جانوران

کرده است. نشان باقی‌مانده از مواد آلی، حفظ شده در مواد معدنی خوردگی یک شمشیر آهنی وایکینگ‌ها از سندی^{۱۸}، اسنادی از ساختار و ترکیب غلاف شمشیر قرن دهم میلادی^{۱۹} در اختیار می‌گذارد. اطلاعاتی که نزدیک بود یک نسل پیشتر از بین برود. در اینجا درک گسترده از آنچه نشانی از گذشته با خود دارد و نیاز به شناسایی، ثبت و نگهداری آن، با تمرکز بیشتر بر حفاظت یافته‌ها جلوه کرده است.^{۲۰}

پس آنچه ما می‌خواهیم نگهداری کنیم و در جامعه گسترش دهیم و نیز چگونگی انجام اعمال ما بر مبنای نوع اشیاء، شیوه‌های گوناگون حفظ میراث و نیز در گذر زمان تفاوت خواهد داشت. به همین‌گونه، بر مبنای نیازهای کلان جامعه در نگهداری اشیاء، هدف‌های حفاظت آثار تاریخی نیز باید ماهیتی مفهومی داشته باشد که در آن مفهوم، سنت‌ها و شیوه‌های متفاوت حفاظت جای گیرند و با پیشرفت تکنولوژی و گسترش دانش، مجبور نشویم هر بار به آن مفهوم شاخه‌ای بیفزاییم.

مثال ن.۱.۱.ب

براساس تعریفی که در سال ۱۹۸۴ کمیته حفاظت مؤسسه بین‌المللی موزه‌ها از مرمتگر - حفاظت‌گر ارائه می‌کند؛ "کار مرمتگر-حفاظت‌گر بررسی، نگهداری و حفظ و مرمت اموال فرهنگی است". پیش از این جایی گفته بودم که حفاظت را می‌توان به صورت سه هدف در رقابت با یکدیگر دید. این سه هدف بقای اثر را به‌عنوان سند تاریخی تضمین می‌کنند و ارزش آن را گسترش می‌دهند^{۲۱} (شکل ۱):

- **آشکارسازی**؛ تمیزکاری و ظاهر کردن شکلی اثر برای آشکار کردن جلوه "اصیل"، پیشین و "معنی‌دارتر" آن است. این جلوه بازیابی می‌شود تا ناظر، که معمولاً بازدیدکننده موزه است، از شیء تاثیر بصری واضح‌تری دریافت کند.
- **بررسی**؛ تحقیق، کاوش و تحلیل شیء برای بازگردانی اطلاعات آن است. این بررسی شامل مشاهدات بصری مطالعات گونه‌شناختی، پرتونگاری اشعه ایکس، آنالیز مولکولی یا عنصری و حتی آزمایشات تخریبی مانند برداشت مقاطع متالوگرافی است.

- **نگهداری**؛ تضمین حیات شیء در شکل فعلی فیزیکی و شیمیایی آن و جلوگیری از تخریب بیشتر با استفاده از فرایند تثبیت و حفظ (با مداخله در اثر) و یا حفاظت بازدارنده است

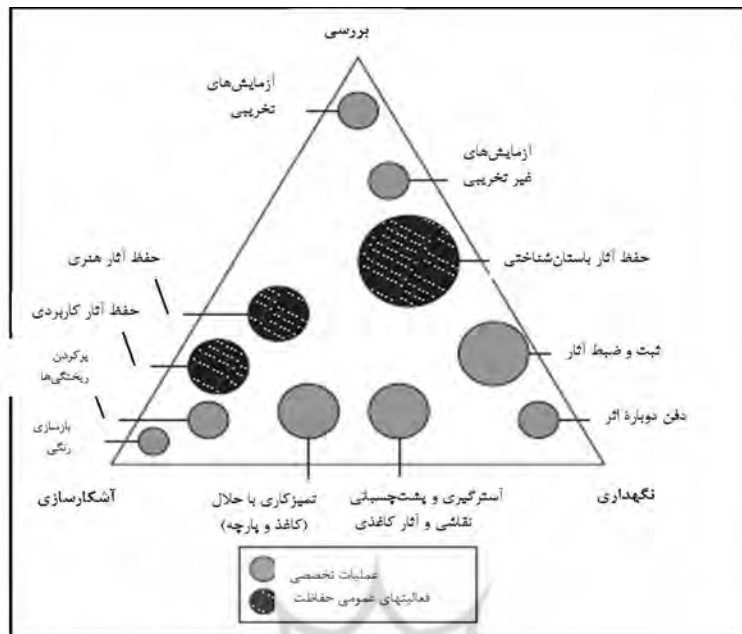
توازن بین این هدف‌ها مثلثی را شکل می‌دهد. این مثلث فضایی به وجود می‌آورد که هر کنشی درون آن اتفاق بیفتد را حفاظت می‌نامیم. در این فضا است که مرمتگران و حفاظت‌گران حرفه‌ای کار می‌کنند (شکل ۱). تمیزکاری یک شیء شاید به حفظ آن کمک کند و یا شکل اصلی آن را هویدا کند و اطلاعات نهفته آن را آشکار سازد.

اگر بپذیریم که این مثلث به‌دقت هدف‌های فرایند حفظ آثار را توضیح می‌دهد، پس شما اگر تنها اشیاء را بسته‌بندی می‌کنید و در مخزنی نگه می‌دارید، کنشی در پیشگیری از تخریب انجام می‌دهید. کنش آگاهانه دقت در شماره‌زنی درست اشیاء و جعبه‌ها، شیء را به شناسنامه موزه‌ای آن (چکیده اطلاعات موجود در مورد شیء) متصل می‌کند و به ما امکان می‌دهد که این اطلاعات را برای نمایش بازیابی کنیم. این کنش‌ها در مجموعه فعالیت‌های حفاظت جای می‌گیرند.

^{۱۸} -Sanday

جزیره سندی در مجمع‌الجزایر اورکنی اسکاتلند، که به‌خاطر شمشیر یافت‌شده در یکی از مقابر وایکینگ‌ها مشهور است. (درمورد بررسی‌های انجام شده بر این اثر نک p.121, Caple. Chris, Objects reluctant witnesses to the past, Routledge 2006)

پیشبرد آگاهانه این اهداف در توازن با یکدیگر به آن معنا نیست که شما حتماً مرمتگر دارای مدرکی هستید که با هدف‌های حفاظت درگیری دارید. چنین رویه‌ای نیاز به سرمایه قابل توجه ندارد، بلکه تنها درک روشنی نیاز دارد از این که چرا ما به‌عنوان یک جامعه اشیا را نگهداری می‌کنیم و ارجمند می‌شماریم.



(شکل ۱) - مثلث ن.ا.ب حفاظت

و اما..

اما آینده پیشرفت‌هایی را به همراه دارد که نمی‌توان به‌آسانی آن‌ها را با هدف‌های حفاظت که پیش از این گفته شد، تطبیق داد:

- **بازگردانی به مکان اصلی:** موزه‌ها در پاسخ به فشار اجتماعی و سیاسی بومیان، در حال بازگرداندن استخوان‌ها و اشیای آیینی از مجموعه‌های خود برای تدفین دوباره به مردم هستند. این اشیا و اطلاعات یگانه‌ای که دربردارند، نگهداری نمی‌شوند و برای همیشه از دنیای دانش و درک علمی خارج می‌شوند.
- **ادامه دادن به مجموعه‌سازی:** منطق چنین حکم می‌کند که ما توانایی نگهداری تعداد بی‌نهایتی از اشیا را نداریم. آیا اشیایی از مجموعه‌ها به فروش خواهند رسید یا استانداردهای نگهداری را پایین می‌آوریم؟ کدام گزینه پیش روی حفاظت‌گران میراث باید برای رسیدن به اهداف حفاظت انتخاب شود. گزینه‌های ارزان‌تری چون فراهم کردن آرشیوهای تصویری و نوشتاری (مجموعه‌های مجازی) نیز وجود دارد که البته در نگهداری اثر مادی قابل بررسی دوباره از برهمکنش پیشرفت جامعه بشری و نیروهای طبیعی ناتوان هستند. این چنین آرشیوهایی شاید مغلوطنر و محدودتر از آنچه در حال حاضر می‌پنداریم، باشند. این مجموعه‌ها آشکارا توانایی حفظ آنچه را که امکان دارد در آینده بخواهیم درمورد اشیایشان بدانیم ندارند. راستی چطور می‌شد ثابت کنیم انسان اولیه پیل‌داون^x جعلی است، اگر تنها تصاویر آن باقی مانده بود؟

^x - Piltdown

ستخوان‌های حیوانی که در اوایل قرن بیستم به‌عنوان باقی‌مانده‌های انسان اولیه در انگلیس به مجامع علمی ارائه شد و تا سال‌ها جعلی بودن آن کشف شده بود تا در سال ۱۹۴۹ با تعیین میزان فلورنور در آن مشخص شد که جعلی است. انسان پیل‌داون به‌عنوان نمونه‌ای از محدودیت نظر کارشناسان

• **پیشرفت‌های علمی؛** ما توانایی استخراج اطلاعات بیشتر و بیشتری از اشیاء، برای مثال باقی‌مانده‌های آلی درون سفال‌ها یا DNA موجود در نمونه‌های تاریخ طبیعی و استخوان‌های باستانی را داریم. بهترین مکان‌ها برای نگهداری اطلاعات نهفته این نمونه‌ها، به فرض در نیتروژن مایع، بسیار گران است و قابل مقایسه با شرایط نمایش، دسترسی و مقایسه و تطبیق با تحقیقات دیگر نیست.

• **تحول در کارکرد موزه‌ها؛** موزه‌های ملی، محلی و دیگر ادارات صاحب مجموعه‌های موزه‌ای امروز بیشتر به نیازهای کوتاه‌مدت سرگرمی و آموزش جامعه توجه دارند. میزان موفقیت در برآوردن این نیازهاست که با کمیت تعداد بازدیدکننده‌های هر موزه اندازه‌گیری می‌شود. دلیل نخستین وجود مجموعه‌ها به‌عنوان سند یا منبع اطلاعات در مورد گذشته، فراموش شده و سرمایه موزه‌ها بیشتر و بیشتر از حفظ آثار و پژوهش و تحقیق (بررسی) بر نمایش آثار (آشکارسازی) متمرکز شده است.

امروزه آرمان‌های عصر روشنگری فراموش شده و ارزش‌های جامعه به‌نحو روزافزونی بر سرگرمی عمومی، بالا بردن رفاه شخصی و اصول بنیادی مذهبی متمرکز است. بر این مبنای جامعه دلیل نگهداری میراث گذشتگان را بازتعریف خواهد کرد. آیا حافظان میراث نیز باید اهداف خود را بازتعریف کنند؟ آیا اگر جامعه بخواهد میراث خود را به گونه‌ای نگاه‌دارد و گسترش دهد که دیگر آشکارسازی، بررسی و نگهداری این آثار را نخواهد، ما باید از حفظ میراث دست بکشیم؟



خبره در برابر بررسی‌های علمی مورد توجه مورخان است (نک: Caple. Chris, Objects reluctant witnesses to the past, Routledge (2006, p.207)

- 1 - Nicholas Stanley-Price, M. Kirby Talley Jr. and Alessandra Melucco Vaccaro, *Historical and Philosophical Issues in the Conservation of Cultural Heritage* (Los Angeles: The Getty Conservation Institute, 1996).
- 2 - Hugh Willmott, "A group of 17th century glass goblets with restored Stems: Considering the archaeology of repair," *Post Medieval Archaeology*, Volume 35 (2001): 96 – 105.
- 3 - L. Maynard, "Restoration of Aboriginal Rock Art – the moral problem," *Proceedings of the National Seminar on the Conservation of Cultural Materials* (Perth: AICCM, 1973).
- 4 - Tiamat Molina and Marie Pincemin, "Restoration Acceptable to Whom?" *Restoration: Is It Acceptable?* (British Museum Occasional Paper No. 99) (London: British Museum, 1994).
- 5 - Gerry Barton and Sabine Weik, "Ma-ori carvings: Ethical considerations in their conservation," *ICOM-CC 7th Triennial Meeting, Copenhagen 1984* (Copenhagen: ICOM-CC, 1984).
- 6 - Shin Yakihashi, "The preservation and handing down of traditional urushi art techniques in Japan," *Urushi* (Marina del Rey: Getty Conservation Institute, 1988).
- 7 - Ann Drumheller and Marian Kaminitz, "Traditional Care and Conservation, the merging of two disciplines at the National Museum of the American Indian," *Preventive Conservation Practice, Theory and Research: 1994 IIC Ottawa Congress* (London: IIC, 1994).
- 8 - William Morris, "Manifesto of the Society for the Protection of Ancient Buildings," *Historical and Philosophical Issues in the Conservation of Cultural Heritage* (Los Angeles: The Getty Conservation Institute, 1996) (first published in 1877).
- 9 - Elizabeth Pye, *Caring for the Past* (London: James and James, 2001), pp. 26 – 30.
- 10 - Susan M. Pearce, *Interpreting Objects and Collections* (London: Routledge, 1994), p. 12.
- 11 - Chris Caple, *Objects: Reluctant Witnesses to the Past* (London: Routledge, 2006) 6 – 11.
- 12 - Gerry Hedley, "Cleaning and meaning: The Ravished image reviewed" *The Conservator*, Vol. 10 (1986): 2 – 6.
- 13 - Olwyn Owen and Magnar Dalland, *Scar, A Viking Boat Burial on Sanday, Orkney* (Edinburgh: Historic Scotland, 1999) 103 – 112.
- 14 - Mary Brooks, Alison Lister, Dinah Eastop, and Tarja Bennett, "Artefact or Information? Articulating the Conflicts in Conserving Archaeological Textiles," *Archaeological Conservation and its Consequences: IIC 1996 Copenhagen Congress* (London: IIC, 1996).
- 15 - Chris Caple, *Conservation Skills: Judgement, Method and Decision Making* (London: Routledge, 2000) 31 – 35.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی